

" من همه ش خنده ام می گیرد " و " و ما به رنگ مهتاب حرف می زنیم " نام دو  
بخش  
از دفتر شعر مثله شده ی "پس از این اگر از هراس خالی بمانم" که  
جایی قبل از چاپ گم شده است! کجا؟  
نمی دانم!

## 1

ساعت ها از دوازده گذشته اند  
ساعت ها ... همیشه از دوازده می گذرند  
همیشه  
هر شب.

هر شب که نگاهت در خود انبوه می شود و دلت از شتاب عقربه ها  
می لرزد  
خم می شوی تا شانه هایت در حیطة ی ارتعاش هاشور نخورند و قلم  
را بر می داری  
که قلبت را بسرایی –  
مرد را می سرایی.

ناممکنت سمت می شب در صدایت می پیچد. باد در دورترین های  
گیرد:  
آنوقت ها مرد را که می سرودی ، دلت از باغ پُر بود و لی ...  
حالا...؟

حالا؟

"حالا چه کنم آقا؟...  
ریگی به کفش دارم آقا...  
و گلو هم سیبی دارد... آقا!"

می گویی و دستهایت را بر تیره خط عمود پهن می کنی.  
عمود را شرح می دهد ، نه دو مردمک پهنه نه خط دستهای  
چشم هایت را رقصان  
ولنگار فاصله می ایستی تا آینه باشی – پس بر بلندای

همیشه  
همانجا  
هم روبرو  
هم پشت سر  
زنگاری  
صیقلی  
هیچ و همه :  
هم قاتلی . هم مقتول.

و آینه همانجاست: تصویر به تاراج رفته ی همه ی معادله هات.

بر هم می زنی دودوتا را  
زمین پاسخ می بافی : دو دوتا جمعیت  
و جمله ی جماع ، جماعت نشد –  
جماد شد.

...

سنگ را صدایت می کنی

جاهل مجهول است و جذر همه آب های پرتاب می کنی : جهل  
شیرین –  
حاشیه هات. شور جنون

تودرتو – راهی به فریاد می کشی :  
یاد کن!  
یاد را بر باد کن –  
فریاد کن!

فریاد می کنی  
باد می وزد  
بوی گورستان می آورد  
بوی سالهای نیامده

ناپیدا – یعنی سالهای نیامده آنقدر سالخورده اند که در این حوالی  
تو – حوالی  
خاطره بوسه می لب به نوروزهای پیکرتراش خاک سرد با قندیل  
دهد  
و به تو  
یک نگاه.  
...

پوشیده در گرفته و آن جنگلهای چه نگاهی ست این سبزی وام  
پوسته ی شب –  
که تو هنوز همان نگاهی –

هنوز لبالب ،  
چکیده در خیال  
وسوسه هاتِ هنوز بر بال  
آبی آب هات –  
دستهات ؟ و آتشین زبانه ای ست کناره ی  
...

2

معنا سنگ است  
بر پنجره ای که نگاهت صدایت شد

پُر تاب شد  
پُر تاب شد  
پُر تاب شد

پُر تاب شد  
سنگ.

3

در عبور تو موجی است از اشاره های چکیده از انگشت  
بر آتشم باد می گذاری  
انارها می خندند.

4

دو نار سینه بندت : انارستان  
تو حرف می زنی  
من خیال می بافم.

5

پرسه ی زخم است  
در خوف بالهات  
ملال آهوی  
چشم.

6

تلاقی صبح و خلط  
گلویم می سوزد

توازی گلبرگهای نور و  
گور  
آینه خیره ست در روزمرگی –  
نام مشترکم با روز.

تلاطم ذهن و شقه ی نگاه.  
میان دستهای مصلوبم می کند  
حیرت راه.

7

در سکوت هایم  
ارغوان های سرگردان  
هزار پاره اند  
و غلغله ایست  
دغدغه های آبی هر روز

هر روز

تأخیر صدای منست  
لبا لب در چکیده ی  
لبهام.

9

از باغی به کویری  
از کویری به باغی  
مرجان سنیه ات – سیب  
تاب خنده ات – موج

دل با دلسپردگی هاش  
از میان دو خواب

به سوی خود می غلطی  
سرداست آواز مرغ عصر  
بلور تنگهای نارس بر سرخ  
زرد ست  
نور گلبر های

10

به خود می خوانی  
فوج سرخ خیال  
از دل خاکستر می چینی  
خورشیدی که به هیأت صاعقه رفتار می کند.

همیشه

سایه ای روبروی توست  
تلخ کهربای به شمایل  
چشمهایت.

## 11

سطح اینجاست  
خط اینجاست  
نقطه را که رها می کنی  
رها می شود  
نگاه

شعر اینجاست  
رقص اینجاست  
از این کناره که می گذری  
تماشا می شود  
تمام راه.

## 12

چشمهایم گفت  
دستهایم نوشت :  
هر جای من گمشده ای  
تسلیم را قانون می کند.

دستهایم نوشت  
چشمهایم نگفت :  
هر سوی من افقی  
در توالی دستهایم می پراکند.

سیلی در خاطره ی شن  
و هنوز کویرم  
کویر و تنهایی اش.

تو نیستی  
ساکتم  
مثل وقتی که باد می وزد  
باران قصه می گوید  
و من به مرگ شعر و قصه هام می اندیشم.

مرغی با یاد بالهایش

و هنوز دشتم  
دشت و بهارش که نیامد.

تو نیستی  
ساکتم  
مثل وقتی که دریا ترانه می خواند  
افق برگهای باد را می بوسد  
و من تاب می خورم بر گرد نقطه ی بی تاب همیشه  
و می گویم :  
درین حاشیه مرگ هم که باشی  
کوچکی.

آب بودم - یعنی گریز آب

وقتیکه چشمه  
کبود منتشر بود  
در فلس خاک.

چشمه بودم - یعنی گریز چشمه  
وقتیکه آب  
حضور سراب بود  
در شکاف کوه.

خاک بودم - یعنی گریز خاک  
وقتیکه خواب  
تنوره پاشیدن شد  
در خلوت پلک.

15

کجای کلامم  
در ثقل فراموشی؟

من قامت شرقی حیرتم  
با لب های نازک خنده  
کبود منع را  
هاشور می زنم.

16

همیشه پیدایم :

خطی تهی که صدایم را به من برمی گرداند:

راه - یعنی : صدایت

یعنی هی بگویی کجا

راه - یعنی : نگاهت

یعنی شناسنامه ای که هی نقش می زند

سیاه

17

نور

نرمست

نرمه ی نگاه توست

از جانب مهتابی های این پنجره

وقتی که می بارد حادثه

و لهجه ی باد

غریب می شود.

سه شنبه ۷ تیر ۱۳۸۴ -- ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵